



زیست مدرن و عوامل منفی تغییر ارزش‌های اخلاقی از دیدگاه اسلام (مبتنی بر آرای آیت‌الله جوادی آملی)

هاجر شاکر خوشرو^۱، مهران رضائی^۲

۱. کارشناسی ارشد مبانی نظری اسلام، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۲. استادیار، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسؤول)

چکیده

زیست مدرن، با تمامی تحولات فناورانه، اجتماعی و ساختاری، نه تنها سبک زندگی بشر را دگرگون کرده، بلکه تأثیرات ژرف و گسترده‌ای بر نظام ارزش‌های اخلاقی گذاشته است. این تغییرات که به‌ویژه در جوامع مادی‌گرا نمود بیشتری یافته‌اند، موجب بروز چالش‌های گوناگونی در حوزه اخلاق و معنویت شده‌اند. پژوهش حاضر در پی کشف دیدگاه اسلام (مبتنی بر آرای آیت‌الله عبدالله جوادی آملی، اسلام‌شناس برجسته معاصر)، به بررسی عواملی می‌پردازد که در این تحولات ارزشی نقش منفی ایفا کرده‌اند و ارزش‌های اخلاقی را به مخاطره انداخته‌اند. روش پژوهش، توصیفی تحلیلی است. بر اساس دستاوردهای پژوهش، مبنایی‌ترین عوامل منفی در تغییر ارزش‌های اخلاقی، عوامل معرفت‌شناختی (عقل‌گرایی منفی و اثر معرفت مادی در انکار اصول ارزشی) می‌باشد. با سریان این موارد، عوامل انسان‌شناختی (خودمحوری، ترجیح منافع فردی بر عمومی و اصیل، انسان‌محوری در مدل زندگی مدرن، بازداري از ارزش‌ها در جامعه) ظهور می‌یابد. در نهایت با پیشرفت جوامع بشری در این فرآیند تغییر ارزشی، و متأثر از عوامل پیشین، عوامل فرهنگی و اجتماعی در ساحت جامعه (ترویج تکثرگرایی افراطی، پیشرفت‌های صنعتی همراه با غفلت از معنویت و ارزش‌های اخلاق، عمومی‌سازی پیروی از هوای نفس) نیز از دیگر عواملی هستند که منجر به تغییر ارزش‌ها و ضعف در التزام به اصول اخلاقی پایدار شده‌اند. پیشرفت‌های صنعتی، اگرچه دستاوردهای شگرفی در حوزه‌های مختلف به همراه داشته، اما در صورت غفلت از معنویت، می‌تواند اثرات مخربی بر باورها و اصول ارزشی انسان داشته باشد. در این پژوهش تلاش شده است که ضمن بررسی عوامل، رابطه ما بین ایشان نیز تحلیل و واکاوی گردد.

کلیدواژگان: زیست مدرن، ارزش‌های اخلاقی، متغیرهای اخلاقی، اسلام، آیت‌الله جوادی آملی

۱- مقدمه

در عصر کنونی، زیست مدرن با سرعت فزاینده‌ای در حال تغییر و تحول است. این تغییرات به‌ویژه در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و معرفتی، تأثیرات عمیقی بر ساختار ارزش‌های اخلاقی

¹. Email: m.rezaee@umz.ac.ir

جوامع داشته‌اند. از منظر اسلامی، تغییرات در نظام ارزشی و اخلاقی یک جامعه، نه تنها بر رفتارهای فردی، بلکه بر هویت جمعی و پایداری جامعه تاثیرگذار است. آیت‌الله جوادی آملی، به عنوان یکی از برجسته‌ترین اندیشمندان اسلامی معاصر، دیدگاه‌های جامع و دقیقی در خصوص عوامل منفی تاثیرگذار بر تغییر ارزش‌های اخلاقی در زیست مدرن ارائه کرده است. در این راستا، مطالعه حاضر بر آن است تا با تحلیل عوامل فرهنگی و اجتماعی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی که در این تغییرات نقش دارند، چارچوبی نظری برای درک بهتر این پدیده فراهم آورد. از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، عواملی نظیر ترویج تکثرگرایی افراطی، پیشرفت‌های صنعتی همراه با غفلت از معنویت و ارزش‌های اخلاقی، و عمومی‌سازی پیروی از هوای نفس، از جمله مهم‌ترین دلایل تغییرات در نظام اخلاقی جامعه مدرن هستند. علاوه بر این، مفاهیمی همچون خودمحوری، ترجیح منافع فردی بر منافع عمومی، و عقل‌گرایی منفی به عنوان موانع معرفتی و انسان‌شناختی نیز در این تغییرات نقشی اساسی ایفا می‌کنند. در این پژوهش سعی شده است با دقت به بررسی عوامل مختلف پرداخته شود و همچنین روابط میان این عوامل تحلیل و واکاوی گردد تا ارتباطات و تاثیرات متقابل آن‌ها به‌طور جامع‌تر روشن شود.

۲- عوامل منفی تغییر ارزش‌های اخلاقی در زیست مدرن از منظر اسلام

در پاسخ به مسئله اصلی پژوهشی، در ادامه عوامل منفی تغییر ارزش‌های اخلاقی در زیست مدرن که از تتبع در آثار آیت‌الله جوادی آملی به عنوان اسلام شناس برجسته معاصر استخراج شده است، در سه دسته عوامل معرفت‌شناختی، عوامل انسان‌شناختی و عوامل فرهنگی و اجتماعی در ساحت جامعه مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱- عوامل معرفت‌شناختی

۲-۱-۱- عقل‌گرایی منفی

با توجه به دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی در فلسفه اخلاق اسلامی، می‌توان مفهوم عقل‌گرایی به عنوان عامل نابودکننده ارزش‌ها را اینگونه بیان کرد که عقل‌گرایی به معنای اهمیت‌دهی بیش از حد به عقل انسان و نادیده‌گیری از جنبه‌ها و ابعاد انسانی می‌تواند ارزش‌ها و اصول اخلاقی را نابود کند. اگر عقل به عنوان تنها منبع تصمیم‌گیری و شناخت ارزش‌ها در نظر گرفته شود، ابعاد انسانی مانند احساسات، اختیار، و انگیزه‌های اخلاقی که نیاز به توجه دارند، نادیده گرفته می‌شوند. ایشان به توازن بین عقل و انسانیت تأکید می‌کند و معتقد است که ترکیب مناسب این دو مؤلفه باید در تشکیل ارزش‌ها و اصول اخلاقی حفظ شود.

عقل‌گرایی به عنوان یک تفکر و مکتب فکری، به معنای اعتقاد به اهمیت برتری و اولویت استفاده از عقل و منطق در برابر مسائل و تصمیم‌گیری‌های مختلف است. این رویکرد در طول تاریخ با توجه به پیشرفت‌های علمی و فکری، به گونه‌ای در جوامع انسانی تأکید شده که در برخی موارد منجر به کاهش اهمیت و ارزش ابعاد معنوی و اخلاقی شده است. از این رو، می‌توان عقل‌گرایی را یکی از عوامل نابودکننده ارزش‌ها دانست که منجر به کاستن ارزش‌های معنوی و انسانی و تخلیه از محتوا در برابر دیدگاه‌های مادی‌گرایانه و منطقی‌گرایانه می‌شود.

عقل‌گرایی از عناوین عام است و به معنای تمرکز و تأکید بر نقش عقل در هر نوع نظام فکری و فلسفی است که عقل را به عنوان عامل اصلی و مرکزی در تحلیل، فهم و تفسیر مسائل مختلف در نظر می‌گیرد و در مقابل نظام‌های فکری مانند: «ایمان‌گرایی»، «نص‌گرایی»، «شهودگرایی» و «تجربه‌گرایی» مطرح می‌شود. شکوفایی عقل در گرو تعالیم وحی است. و جز با وحی عقل به شکوفایی نمی‌رسد. اما برخی پنداشتند که عقل برای تأمین نیازهای انسان کافی است و خرد بشری و علوم حسی و تجربی برای اداره جامعه کافی است. به همین دلیلی نیازی به اصول ارزشی و اخلاقی و عقاید و فقه و قانون نیست و عقل می‌تواند با حس و تجربه به این اصول دست پیدا کند (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ب ۱۹۷؛ همان، ۱۳۹۳: الف: ۱۳۲).

این دیدگاه بنیادهای ارزشی را مورد تغییر قرار می‌دهد چون اساس اصول ارزشی و حیانی از ماوراءالطبیعت است. وقتی اساس ارزش‌ها مادی و عقلی شد آن ارزش، ارزش مادی بوده، درحالی که بشر برای سعادت نیاز به ارزش‌های فرامادی دارد.

۲-۱-۲- اثر معرفت مادی در انکار اصول ارزشی

حس‌گرایی و اعتقاد به منحصر بودن حقیقت در امور مادی از دیرباز در میان بشر سابقه داشته است. اما این تفکر به عنوان یک مکتب فکری طی چند صد سال اخیر در غرب مطرح شده و در دوران اوج خود طرفداران زیادی به دست آورده است. به این‌گونه افراد پوزیتیویست یا تجربه‌گرا گفته می‌شود. این تفکر با «هیوم» اسکاتلندی در قرن ۱۷ تدریجاً آغاز شد. هم‌زمان با پیشرفت علم و یکه‌تازی تکنولوژی در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ تجربه‌گرایی به عنوان رمز پیشرفت و ترقی توجه همه جوامع را به خود جلب کرد. در این دوره همه چیز با معیارهای حسی و تجربی سنجیده می‌شد. اعتقاد رایج در این دوره این بود که باورهای متافیزیکی قابل اثبات یا ابطال حسی و تجربی نیست و آنچه را نمی‌توان با حس و تجربه بررسی کرد، گزاره‌هایی بی‌معناست که ارزش اعتنا و پیگیری ندارد.

علامه جوادی آملی در این زمینه می‌فرماید: در مکتب حس‌گرایی، تمام مسائل اعتقادی، اخلاقی و حقوقی، بر اساس حس تدوین شد و مدار زندگی ماده قرار داده شد و منجر به نادیده گرفتن حرمت معارف غیر محسوس و منزلت اصول ارزشی غیرمادی شد. صنعت حس، تعیین

کننده عقیده، حقوق، اخلاق و سیاست می‌شود و میوه تلخ و فراخ چنین شاخ منحوسی باعث می‌شود که انسان به دام استعباد، استثمار، استحمار و بالاخره تهاجم و تکالب و غارت منابع ملت‌های ضعیف شود. دولت یا ملت‌هایی که بر این اصول حس‌گرایی تکیه کنند، اگر پیروز شوند، اقتدار کاذب و موقتی خواهند داشت و در ایام شادکامی دروغین خویش از هیچ خلاfi هراس ندارند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۰۴؛ همان، ۱۳۸۴: ۱۴۳).

نتیجه این مکتب از زیر پا گذاشتن همه اصول ارزشی بوده و اگر بتوانند عصای موسی (علیه السلام) را در دست فرعون یا سامری قرار داده و حسین بن علی (علیهما السلام) را در عتبه عتبه اموی می‌نشانند و با تشویه زیبایی عدل و تحسین وصمه ظلم، هر معروفی را منکر و هر منکری را معروف ارائه می‌دهند (همان: ۱۰۵).

به عبارت دیگر تمایل به دنیاطلبی، می‌تواند ارزش‌های معنوی را تضعیف کند و ارتباط انسان با اصول مهم در زندگی را کمرنگ نماید. فشارهای مصرف‌محور و لذت‌جویی از لذت‌های مادی، افراد را به دنیاطلبی جلب می‌کند و ممکن است از ارتباط نزدیک با ارزش‌های اخلاقی و معنوی منحرف کند. تفکر پوزیتیویست یا تجربه‌گرا در جامعه غربی در قرن ۱۷ جای گرفت و تأثیراتش با پیشرفت علم و تکنولوژی در قرن‌های ۱۹ و ۲۰ بیشتر شد. اما این دیدگاه، ارزش‌های معنوی را کم‌ارزش می‌شمارد و تنها به مبانی حسی و تجربی تکیه می‌کند. علامه جوادی آملی به این مکتب انتقاد می‌کند و می‌گوید که این تفکر باعث نادیده گرفتن معارف غیر محسوس و اصول ارزشی غیرمادی شده است.

معرفت شناسی حسی و تجربی ضعیف قوم نوح که مایه انکار وحی و نبوت بود، سبب انکار اصول ارزشی جامعه نیز شد. تقوا: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»، عدالت و زهد از اصول ارزشی اند و قوم نوح آن‌ها را نفی می‌کردند. آنان می‌دیدند که مؤمنان به نوح (علیه السلام) ژولیده اند و لباس فاخر و... ندارند، از این رو بر اثر معرفت شناسی حسی، ایشان را «اراذل» می‌خواندند، درحالی که آنان از اصول ارزشی یادشده که مایه فضیلت اند، بهره مند بودند؛ ولی آنان ادراک نمی‌کردند. آری! بر اساس معرفت شناسی حسی و تجربی، همه کوشش و ارزش بر محور ماده است و مالداران، عزیز و شریف اند؛ اما فقیران ذلیل و پست (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۱۷۱).

در علم اسلامی، معرفت و شناخت از طریق ابزارهای معرفتی مختلفی از جمله حس، عقل، قلب، قابل حصول است. البته هر کدام از این ابزار معرفت در دستیابی به گونه ای از شناخت قابل استفاده است مانند آنکه در علوم تجربی و حسی، حس ابزاری قابل اعتنا و در مسائل غیر حسی از ابزار عقل مورد استفاده قرار می‌گیرد (مطهری ۱۳۷۶: ۳۵۹). در مکاتب علمی غیر اسلامی تنها به برخی از این ابزار اکتفا می‌شود. مانند آنکه در مکتب معرفتی پوزیتیویستی تنها ابزار معرفتی قابل اعتنا، حس به شمار می‌آید و به همین دلیل بسیاری از مسائل دیگر که به

وسیله حس قابل دستیابی و شناخت نیستند، غیر واقعی و غیر حقیقی به شمار می آیند. فلذا وقتی که ملاک معرفت، تجربه و عوامل طبیعی باشد، ارزش ها جایگاه اصلی خود را از دست می دهند و در نتیجه نابود می گردند.

فلذا نتیجه این دیدگاه می تواند منجر به نابودی ارزش ها و اصول معنوی شود. این تفکر می تواند ارزش ها را به جایگاه دومی برده و موجب تعدیل اهمیت ارزش های اخلاقی شود. افرادی که به این تفکر پایبند هستند، ممکن است اصول ارزشی و معنوی را به عقاید و اعتقادات حسی و تجربی شان تطبیق دهند و از ارتباط عمیق با معارف معنوی دوری کنند. این تفکر به تدریج باعث کاهش شجاعت، دلاوری و اخلاقیات می شود و به تبع آن ممکن است جامعه ای به سمت نابودی ارزش ها حرکت کند.

قوم نوح با آزار و اذیت هایی که از حضرت نوح انجام دادند مورد خطاب حضرت نوح قرار گرفته و ایشان قوم خود را دروغگو می خواند. چنانکه قرآن کریم می فرماید: «بَلْ تَطْتَكُم كَاذِبِينَ». این تغییر ارزش در قوم نوح به دلیل معیار معرفت شناسی قوم نوح و معرفت بر مبنای احساس و تجربه بود و اصول ارزشی آنان نیز ثروت، قدرت و مانند آن (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۱۷۳).

تفکر تجربه گرا و اصالت حقیقت بر مبنای تجربه توانست، اصول ارزشی را به پرسش بکشد؛ زیرا مفاهیم ارزشی مانند: عدالت، احسان، ایثار، گذشت، مساعدت و... که جنبه معنوی دارند، طبق اندیشه تجربه گرایی بی معنا هستند. افرادی که به تجربه گرایی معتقدند اصول ارزشی و اخلاقی، عقاید و فقه و قانون را به استناد منابع حسی و تجربی خود تنظیم می کنند و اصالت آن را با تجربه می سنجند. به همین ترتیب در مرحله نخست تفکر عقلگرایی توانست جامعه را از وحی محروم کند، بعد از آن علوم تجربی بر عقل سایه افکند و دست انسان از عقل برهانی و تجربیدی نیز کوتاه شد؛ در حالی که تبیین مبادی نظری تجربه و حس، بدون استعانت از مبانی نظری عقلی، معقول و مقبول نیست. (جوادی آملی، ۱۳۹۳ الف: ص ۱۳۲ و ۱۳۳).

اگرچه تفکر تجربه گرا می تواند برای مسائل مادی و علمی مؤثر باشد، اما اگر به آن به طور کامل تکیه کنیم، ممکن است ارزش های معنوی و اخلاقی را در معرض خطر قرار دهد و به نابودی آنها منجر شود. بنابراین، نیاز است تا در ارزیابی و تداول ارزش ها، به جانبازی اصول معنوی نیز اهمیت داده شود و تفکری توازن دهنده به خرج داده شود.

۲-۲- عوامل انسان شناختی

۲-۲-۱- خودمحوری: خود محوری این است که انسان خود را به عنوان محور تمام حق و باطل، درست و نادرست در نظر بگیرد و تصمیم ها و ارزیابی های خود را براساس نگاه و دیدگاه

شخصی خود بنیانگذار. او تلاش می‌کند تا مردم را به پیروی از خود تشویق کند و تنها آنچه را که خود درک می‌کند، به عنوان درست قبول کند و به بقیه اعتباری ندهد.

این رویکرد خودمحور ممکن است در جوامع و کشورهایی رخ دهد که خطرات آن به مراتب بیشتر و شدیدتر است. در جوامع خودمحور، تمام ارزش‌های انسانی، اجتماعی و اخلاقی در خدمت محورهایی قرار می‌گیرند که به منافع و سود آنها خدمت می‌کند، و اگر همان ارزش‌ها در جای دیگری وجود داشته باشد، به طور کلی از نظر این جوامع بی‌ارزش و از اعتبار ساقط است. لذا علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «در نزد خدا، مبعوض ترین افراد کسانی هستند که خدا او را به خودش واگذاشته و آنان از راه راست منحرف شده و بی‌راهنمایی قدم می‌گذارند. اگر آنان به دنیا و امور مادی دعوت شوند، پاسخ می‌دهند و در پیشگیری و کسب منافع جهانی تلاش می‌کنند، اما اگر به امور آخرت و برکات روحانی دعوت شوند، تبلی و سستی نشان می‌دهند. از جمله دعا‌هایی که بسیار پربار و مورد توجه است، آن است که از خدا بخواهیم که ما را به خودمان واگذار نکند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳، قسمت ۷). در حالت خود محوری هر کس پیش از هر چیز، فقط به خود و منافع خود می‌اندیشند و در قالبی افراطی، نسبت به دیگران احساس بیگانگی می‌کنند. از دید انسان محوری ارزش‌ها در جهت اهداف و رفاه و سود بیش‌تر به گونه ای مطلقاً فردی، خلاصه می‌شود. در این دیدگاه، تعاون و همکاری با سایر انسان‌ها به حدی کاهش یافته است که تنها به صورت شکلی سطحی و صوری برای دستیابی به هدف‌های سودجویانه استفاده می‌شود. در جامعه امروز، عدم تفاهم و همکاری بین افراد به قدری مورد و تعرض طبع و خدشه و خوی حیوانی انسان‌ها قرار می‌گیرد که به وجود آوردن حتی یک نهاد اجتماعی کوچک (مانند خانواده) با چالش‌های بسیاری مواجه می‌شود. انسان‌هایی با دیدگاه انسان محوری نمی‌توانند به مقتضای فطرت خویش که این امر حتی از سوی امیال فرد نیز حمایت می‌شود با فرد دیگری زیر یک سقف زندگی مشترک داشته باشند. (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۱۴۷).

به این ترتیب می‌توان گفت دیدگاه خودمحوری که انسان را به محور تمامی ارزش‌ها و دیدگاه‌ها قرار می‌دهد، امری خطرناک است که به طور گسترده در جوامع و کشورها مشاهده می‌شود. در این دیدگاه، انسان تمایل دارد تا تنها به منافع و نیازهای فردی‌اش توجه کند و دیگران را به عنوان وسیله برای دستیابی به اهداف شخصی‌اش ببیند. این منجر به کاهش تعاون و همکاری اجتماعی می‌شود و ارزش‌های انسانی و اخلاقی در برابر منافع شخصی کمتر ارزش دارد.

این نگرش می‌تواند به اندازه‌ای شدید باشد که افراد به تنهایی خود را اهمیت داده و حتی تلاش کنند تا ارتباطات اجتماعی و نهادهای اجتماعی را در راستای خواسته‌های فردی خود

تغییر دهند. در نتیجه، اجتماعی که در بنیان خود این نگرش را دارند، به مشکلات جدی در تعاملات اجتماعی و همکاری می‌خورند و تحت فشار قرار می‌گیرند.

به طور کلی، این نوع انسان‌محوری می‌تواند به تخریب ارتباطات انسانی، کاهش ارزش‌های اجتماعی و تضعیف همدلی و تعاون منجر شود. برای سازندگی و پیشرفت جوامع، لازم است تا ارزش‌های معنوی و انسانی به عنوان اصولی مؤثر در زندگی مشترک تأمین شود و افراد توانایی تعامل با دیگران و همکاری را برای دستیابی به اهداف مشترک ارجاع دهند.

۲-۲-۲- ترجیح منافع فردی بر عمومی و اصیل: یکی از عوامل مهم و نابودکننده ارزش‌ها، جایگزینی مصلحت‌های فردی به جای مصالح عمومی و ارزش‌های اصیل است. این پدیده منجر به کاهش ارزش‌های مشترک و انحراف از مسیر تعالی اجتماعی می‌شود. در این مقطع، نگرانی از تحقق مصلحت‌های فردی و انگیزه‌های شخصی، به جای توجه به مصالح عمومی و جامعه‌ای، به اختلافات و تقابلات بین افراد و گروه‌ها منجر می‌شود. به جای هم‌کاری و همبستگی در سبک زندگی، افراد تمایل دارند تا به دنبال تحقق مصلحت‌های فردی خود باشند و این باعث تضعیف وحدت و همدلی اجتماعی می‌شود.

مطلب دیگر در زمینه شبهه عرفی شدن دین، چگونگی روند جوامع بشری، به ویژه در دنیای امروز است. به این معنا است که در برخی زمان‌ها و شرایط، ارزش‌های مقدس و مذهبی به تدریج اهمیت خود را از دست می‌دهند و جای خود را به منافع و مصالح عقلانی می‌دهند. به عبارت دیگر، این ارزش‌های مقدس تا حدی قادر به مقاومت در برابر مصالح عمومی هستند، اما پس از گذشت مدتی همان طور که در غرب چنین شد، در اثر تغییرات و تحولات، مردم مصالح شخصی و عمومی خود را به ارزش‌ها ترجیح می‌دهند و منافع عقلانی را جایگزین آن‌ها می‌کنند. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ص ۱۰۱).

به عبارت دیگر آیت‌الله جوادی آملی در این زمینه به نکات مهمی اشاره دارند. ایشان توجه دارند که در جوامع امروز، فشارها و تحولات مختلف به ارزش‌ها و مذاهب شکاف می‌زند و برخی افراد به دلیل تعامل بیشتر با دنیای مادی، ارزش‌های مذهبی را به چالش می‌کشند. این پدیده به نام "شبهه عرفی شدن دین" شناخته می‌شود. ایشان بیان می‌کند که این شبهه‌ها ناشی از تأثیرات مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هستند که به تدریج ارزش‌های مذهبی را تحت تأثیر قرار داده و در برخی افراد منجر به ترجیح منافع عقلانی نسبت به ارزش‌های مذهبی می‌شود. آیت‌الله جوادی آملی تأکید دارند که برای مقابله با این شبهات، لازم است تفهیمی عمیق از ارزش‌های مذهبی و اخلاقی داشته باشیم و این ارزش‌ها را با دقت و تأمل درک کنیم. همچنین، باید به ارتقاء فهم عمومی و آموزش مردم درباره ارزش‌های مذهبی و اخلاقی اهمیت داد و تلاش کنیم تا منافع عقلانی با ارزش‌های مذهبی هماهنگ شوند.

در نتیجه ایشان معتقدند که تعامل مثبت میان ارزش‌های مذهبی و منافع عقلانی می‌تواند باعث توازن بیشتر در جامعه شود و از ایجاد شکاف بین این دو جلوگیری کند. از این رو، تربیت اخلاقی و فرهنگی به منظور تقویت ارتباط افراد با ارزش‌های مذهبی و ارتقاء فهم عمومی از اهمیت بسیاری برخوردار است.

۲-۲-۳- انسان‌محوری در مدل زندگی مدرن: اصالت بخشیدن به انسان در منظومه ی فکری فلسفی غرب، بیانگر نسبت بین انسان و هستی بر پایه ی این دیدگاه است که بشر شان مخلوقیت و بشریت خود را با آگاهی یا ناآگاهانه کمتر مورد توجه قرار می‌دهند و خود را مالک الرقاب عالم می‌داند و تصور می‌کند فرمانروای طبیعت است. در این تلقی و تصور، آدمی حتی اگر به دین و آئین‌های معنوی معتقد باشد، آن را به شیوه ای ذیل نفسانیت خود تعریف می‌کند. بنابراین اگرچه روح اومانیزم شرک آلود و الحادی است اما بشرانگاری لزوماً به صورت الحاد آشکار ظاهر نمی‌شود، بلکه اتفاقاً از ظاهری مذهبی برخوردار بوده و به خداوند و شریعت پایبند و معتقد بوده اند، اما در تفکر و روح خود، نسبت مابین بشر و طبیعت و مناسبات میان انسان‌ها و نسبت دین و بشر و جایگاه فهم و درک آدمی و مبادی و مبانی معرفت شناسانه و هستی شناسانه را به گونه ای خودبنیادانه و مبتنی بر اصالت عقل و نفس بشری در مقابل اراده ی الهی تعریف و تبیین می‌کرده اند. در نتیجه ارزش‌ها جای خود را به غیر ارزش‌ها می‌دهند. علامه جوادی آملی در این زمینه می‌فرماید: بعضی افراد، در زندگی خود، شایستگی علم و عقل را بر مقام وحی الهی تأکید می‌کنند و خود را بدون وحی خدا، قادر به تأمین تمدن و خوشبختی می‌دانند. جایگزین‌ها و تعویض‌هایی که انسان در طول تاریخ به جای دین و آموزه‌های الهی به کار برده است، تنها در علم و دانش محدود نمی‌شود؛ بلکه گاهی او آزادی را بهانه می‌کند و آن را بر هر چیزی دیگر ترجیح می‌دهد، و گاهی رأی و نظر عمومی را به عنوان اصل و مبنای تصمیمات معرفی می‌کند، و در برخی موارد منافع اقتصادی را از همه ارزش‌ها بالاتر قرار می‌دهد. او گاهی حکومت و قدرت را به عنوان تنها ارزش و عنصر اصلی تصور می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۵۲).

با تفکر اومانیزم و انسان‌محوری، این انسان است که توان شناخت همه حقایق و همه نیازهای خود را دارد و به حقیقتی غیر از خود نیاز ندارد تا حقایقی را به او بشناساند یا نیازهای او را برآورده سازد. از این رو، نه نیاز به خدا دارد تا حقایقی را در اختیار او قرار دهد و نه به وحی و دینی نیازمند است که چگونه زیستن در دنیا را به او ارائه کند؛ اما چنان که گفته شد، احساس بی‌نیازی نسبت به خدا و دین، برای او بحران‌ها و نارسایی‌هایی را ایجاد کرده است که او را به این فکر وادار کرد که چگونه می‌تواند بر این بحران‌ها فائق آید (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۱۶).

در نتیجه، این دیدگاه منجر به جایگزینی ارزش‌های معنوی با ارزش‌های انسان‌محور و خودبنیادانه می‌شود. به جای ارتباط با علوم معنوی و مفاهیم دینی، انسان به تأمین نیازها و آرمان‌های شخصی‌اش توجه می‌کند و این ممکن است منجر به تضعیف و تخریب اصول مذهبی و معنوی در زندگی او شود.

۲-۲-۴- بازداری از ارزش‌ها در جامعه: از عوامل نابود کننده ارزش‌ها، بازداری از ارزش‌ها و اصول موجود در جامعه است. این موضوع به طور مستقیم به استحکام و پایداری جامعه و ارتباطات بین افراد وابسته است. فرهنگ، به عنوان ساختاری که ارزش‌ها، آرمان‌ها، و اصول را در خود جای داده، نقش حیاتی در شکل‌گیری و تداوم جامعه ایفا می‌کند. ارزش‌ها و اصول موجود در فرهنگ، به عنوان چراغ‌های راهنمایی، رفتارها و تصمیم‌گیری‌های افراد و گروه‌ها را هدایت می‌کنند.

تنها در پرتو وجود فرهنگ است که جامعه شکل می‌گیرد و فرهنگ نیز به صورت وام‌گیرنده ارزش‌ها عمل می‌کند. به همین دلیل می‌توان گفت که استحکام و پایداری جامعه در واقع به وجود ارزش‌هایی بستگی دارد که در آن حاکم هستند. زیرا جامعه چیزی جز ارتباطات، تعاملات و واکنش‌های افراد نیست که در حاصل ارزش‌های حاکم شکل می‌گیرند. این ارزش‌ها، با تعیین خوبی‌ها، بدی‌ها و آرزوهای مطلوب برای اعضای جامعه، چراغ هدایت رفتار فردی و گروهی را روشن می‌کنند. بدیهی است که نادیده گرفتن و بازداری از ارزش‌های حاکم بر جامعه، ممکن است عواقب ناگواری را به همراه داشته باشد. اما وقتی این ارزش‌ها ارتباط مستقیم با ارزش‌های دینی و الهی داشته باشند، این بازداری نه تنها به اختلال در امنیت مادی اعضای جامعه منجر می‌شود، بلکه می‌تواند امنیت و آسایش روحی و شؤون معنوی و کمالات انسانی آن‌ها را نیز به خطر بیندازد. در هر جامعه، افرادی وجود دارند که ارزش‌های حاکم بر آن را نادیده می‌گیرند و با ارزش‌ها و معیارهای آن سازگاری ندارند. آن‌ها با رفتارهای ناهنجار خود، آرامش و سلامت جامعه را به خطر می‌اندازند. فلذا صدّ و صرف از راه خدا نموداری از کفر و نفاق است که عامل اصلی ورود به دوزخ است. برای همین خداوند در سوره انفاق عاقبت این افراد را بیان کرده و کسانی که مردم را از تمسک به ارزش‌ها باز می‌دارند پس از صرف هزینه‌های زیاد به نتیجه هم نمی‌رسند و عاقبت آنها جهنم است (جوادی آملی، الف 1387، ج ۵: ۴۰۵).

در نتیجه، بازداری از ارزش‌ها و اصول جامعه را در معرض خطر می‌اندازد و می‌تواند عواقب منفی جدی در ابعاد مختلف جامعه داشته باشد. اهمیت احترام به ارزش‌ها و اصول جامعه و حفظ فرهنگ و اخلاقیات آن، برای حفظ استحکام و پایداری جامعه بسیار حائز اهمیت است.

۲-۳- عوامل فرهنگی و اجتماعی در ساحت جامعه

۲-۳-۱- **ترویج تکثرگرایی افراطی:** تکثرگرایی به عنوان یکی از عوامل نابودکننده ارزش‌ها، در دنیای امروز به وضوح مشهود است. این پدیده به معنای افزایش تنوع و تعداد گوناگونی از عقاید، اندیشه‌ها، و ارزش‌ها است که به نظر می‌رسد در ابتدا به عنوان یک پدیده مثبت و غنی‌کننده در جامعه مطرح شده، اما به طور تدریج می‌تواند به تخریب و تضعیف ارزش‌های اصیل و تعالی معنوی منجر گردد.

از نظر بسیاری از اندیشمندان و رهبران روحانی، تکثرگرایی به وضوح به پویایی و تنوع فکری و فرهنگی در جوامع کمک می‌کند. این تنوع می‌تواند زمینه‌ساز برای تبادل اندیشه و پیشرفت مؤثر در مختلف حوزه‌ها باشد. اما در عین حال، این تنوع می‌تواند به نوعی دو راهکار مختلف را باعث شود: تقویت ارتقاء فهم و تعمق در مباحث فرهنگی و دینی، یا به سمت نسبت به ارزش‌ها بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی پیش ببرد. نگرانی‌ها از نوع دوم می‌تواند ناشی از این باشد که تکثرگرایی می‌تواند منجر به انحراف از ارزش‌های اصیل و تعالی معنوی شود. افراد در میان تنوع فرهنگی و دیدگاهی گمراه شده، به دنبال راه‌هایی ممکن است که در تضاد با اصول ارزشی و اخلاقی خالقانه باشد. این پدیده در مواجهه با ارتباطات گسترده و تأثیر رسانه‌ها می‌تواند ابعاد بزرگتری به خود بگیرد و تأثیرات منفی را افزایش دهد.

یکی از مهم‌ترین پیامدهای تکثرگرایی، «نسبیت اخلاق» است. کسانی که اصل کثرت گرایی را پذیرفته اند، باید در پی آن، پلورالیزم اخلاقی را نیز بپذیرند؛ آن گاه نتیجه پذیرش آن، نسبیت اخلاق است که با انکار جاودانگی اصول اخلاقی و ارزشی همراه است، در نتیجه هر گروه، خلق و خوبی خاص دارد و اخلاق برای هر کسی معنای خاص خود را خواهد داشت (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ۵۲۱).

به عبارت دیگر آیت‌الله جوادی آملی بیان می‌کنند که تکثرگرایی به معنای تنوع فرهنگی، اجتماعی و مذهبی در جوامع است و این تنوع می‌تواند منجر به اختلافات و تضادها در برداشت‌ها و ارزش‌ها شود. ایشان تأکید می‌کنند که یکی از نتایج مهم تکثرگرایی، نسبیت اخلاق است. این به این معناست که هر گروه و جامعه‌ای ممکن است دیدگاه‌ها و ارزش‌های متفاوتی داشته باشند و برای آن‌ها اخلاق ممکن است به صورت نسبی تعریف شود. این موضوع می‌تواند منجر به انکار جاودانگی اصول اخلاقی و ارزشی شود، زیرا اگر هر جامعه اخلاق را به تناسب نیازها و موقعیت‌های خود تعریف کند، ارزش‌های جاودانه‌ای وجود نخواهد داشت و همه چیز به معیارهای نسبی محدود می‌شود.

۲-۳-۲- **پیشرفت‌های صنعتی همراه با غفلت از معنویت و ارزش‌های اخلاق:** یکی از عوامل نابودکننده ارزش‌ها، پیشرفت‌های صنعتی است. این موضوع در واقع از نگاهی کاملاً

متفاوت به مسائل اجتماعی و انسانی پیروی می‌کند. در این دیدگاه، پیشرفت‌های صنعتی اگرچه می‌توانند به ظاهر بهبودها و پیشرفت‌هایی را به همراه داشته باشند، اما در عمق معضلاتی ایجاد می‌کنند که به نابودی ارزش‌ها و جوامع انسانی می‌انجامد.

جوامعی که سهم هر چند اندک از فرهنگ حیات بخش ائمه (علیهم السلام) دارند، گرچه عوامل و موانع فراوانی مانع پیشرفت صنعتی و تکامل علمی آنها شده است، اما بسیاری از اصول و آرمان‌های انسانی، در صدر ملاک‌ها و معیارهای ارزشی آنها قرار دارد و از این جهات تفاوتشان با جوامع مادی بسیار است. اما در جوامع مادی به دلیل اصالت ماده و دنیاپرستی و رقابت‌های مادی و تلاش برای رسیدن به ثروت و مقام بیشتر سراسیمی سقوط را پیش گرفته اند. در این جوامع آلودگی‌های فکری و عقیدتی و آفات فرهنگی، چنان بیمارشان کرده است که پیکر نحیف و تکیده انسانیت در آن جوامع به سوی مرگ و نابودی گام می‌زند. از این رو نه عرض و آبروی مردم برای آنان ارجی دارد و نه جان و مالشان ارزشی؛ مستضعفان فکری و جسمی، نه در جامعه امنیت دارند و نه در داخل خانه. نه پدر از احترام فرزند برخوردار است و نه فرزند از نعمت تربیت پدر بهره مند. نه کانون خانواده گرم است و نه چراغ عطف و مهربانی در جامعه روشن. نه کشورهای دور از شرشان در امان هستند و نه همسایگان نزدیک از شرارتشان آسوده. به عقرب جراره ای شباهت دارند که زهر فساد و فتنه را با شهد تمدن و پیشرفت آمیخته و با نیش‌های مسموم خود به نام اصلاحات، آزادی اندیشه و ده‌ها نام پر زرق و برق دیگر به پیکر بشریت وارد می‌کنند و بدین صورت هاضمه فکری و بنیان‌های اخلاقی آنها را به فساد و تباهی سوق می‌دهند. به اسم نظم نوین، نظام استوار انسانیت را به کام شعله‌های حقد و کینه خود می‌کشند. همه شخصیت و ارزش انسان را در شکم و دامن خلاصه می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۸).

به بیان دیگر، آیت‌الله جوادی آملی معتقد است که جوامعی که به پیشرفت‌های صنعتی فقط با دیدگاه مادی و دنیوی نگریسته‌اند، در مسیر تلاش برای کسب ثروت و قدرت، به اندازه‌ای دور از ارزش‌های انسانی قرار گرفته‌اند که نه تنها حقایق معنوی را نادیده می‌گیرند، بلکه به نوعی تنها به تحقق مادیات می‌پردازند. با این نگاه، پیشرفت‌های صنعتی می‌توانند باعث نابودی ارزش‌های انسانی و معنوی در جوامع شوند. به جای تأکید بر اصول اخلاقی، تعالی معنوی، و ارتقاء انسانیت، اهمیت به ترقی فناوری و افزایش تولید مادی داده می‌شود. این وضعیت منجر به تلاش بی‌کران برای اندازه‌گیری موفقیت از طریق پارامترهای مادی می‌شود که در نهایت می‌تواند باعث ضعف ارزش‌های انسانی و خرابی ارتباط‌های اجتماعی شود.

به این ترتیب، می‌توان گفت که پیشرفت‌های صنعتی، به ویژه زمانی که بدون توجه به ارزش‌های معنوی و انسانی اتفاق می‌افتد، از عوامل نابودکننده ارزش‌ها به شمار می‌آیند. این

موضوع تأکید بر اهمیت توازن بین پیشرفت‌های فناوری و حفظ ارزش‌های انسانی و معنوی را از سوی آیت‌الله جوادی آملی نشان می‌دهد.

۲-۳-۳- عمومی سازی پیروی از هوای نفس: از دیگر عوامل نابودی ارزش‌ها در جامعه، پیروی نمودن از هوای نفس است، هوای نفس به عنوان یک مفهوم عمیق و چند وجهی، نشان‌دهنده تمایلات و خواسته‌های غیرمتعادل و زیاده‌خواهانه انسان است که معمولاً به منافع شخصی و لذت‌های فوری اشاره دارد. این پدیده در بسیاری از موارد می‌تواند منجر به تضعیف ارزش‌های اخلاقی و معنوی شود و تأثیر منفی بر جوامع و فردیت انسان داشته باشد.

چنانچه پیامبر اکرم (ص) فرمود: «مَنْ قَارَفَ ذَنْبًا فَقَدْ فَارَقَهُ عَقْلٌ لَا يَرْجِعُ إِلَيْهِ أَبَدًا؛ هرگاه کسی با گناه همراه شود، یک قسمت از عقل او به تحقیق از او جدا می‌شود، در حالی که هرگز به‌سوی او باز نمی‌گردد» (فیض کاشانی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۲۴).

ابوحامد غزالی و فیض کاشانی (ره) می‌گویند: «در اثر گناه، در قلب کدورت و تاریکی ایجاد می‌شود که این اثر همیشگی است و نمی‌توان آن را از بین برد. اما با انجام کارهای نیک، می‌توان اثر گناه را پاک و نابود کرد. اگر کار نیک قبل از گناه انجام شود، نور و صفا را به قلب می‌افزاید. اما اگر کار نیک پس از گناه انجام شود، تنها به وضعیت قلب قبل از گناه برمی‌گرداند و از فایده‌هایی که کار نیک باعث افزایش نور و صفا در قلب می‌شود، محروم می‌شود. اما اگر قبل از انجام کار نیک، گناهی نباشد، نور و صفای قلب را افزایش می‌دهد. بنابراین، انجام کار نیک قبل از گناه به قلب نورانیت و صفا می‌بخشد، در حالی که انجام کار نیک بعد از گناه، تنها به حالت قبل از گناه بازمی‌گرداند و از فایده‌های بیشتری برخوردار نمی‌شود» (غزالی، بی تا، ج ۸: ۲۳؛ فیض کاشانی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۲۴).

در نتیجه، ابوحامد غزالی و فیض کاشانی (ره) با تأکید بر اهمیت انجام کارهای نیک و اجتناب از گناه، به مفهومی عمیق درباره تأثیرات اخلاقی و روحانی اعمال اشاره می‌کنند. آنها معتقدند که گناه‌ها باعث ایجاد تاریکی و کدورت در قلب انسان می‌شوند که این تأثیرات همیشگی است و نمی‌توان آنها را به سادگی از بین برد.

برخی دیگر این روایت را این‌گونه معنا کرده‌اند: مقصود از این عقل، عقل عملی است. هر عمل خوب یک کار عقلی است و با عمل خوب وزن خوبی آدم بالا می‌رود؛ یعنی بر عقل او افزوده می‌شود، و اگر کار بیهوده بکند یا خلاف و گناه بکند در حالی که در این لحظه و ساعت می‌توانست کار صحیح؛ یعنی عقلانی بکند مقداری از کسب عقل را از دست می‌دهد که وقتی این کسب از دست رفت دیگر جبران آن ممکن نیست. توبه خود یک کار خوب و عقلانی است و با توبه به عقل آدم افزوده می‌شود. اما نمی‌تواند آن ساعتی که در گناه؛ یعنی بی عقلی مصرف کرده جایگزین کند. مگر این‌که توبه‌ای بکند که گناهان را تبدیل به حسنات می‌کند. چنان‌که قرآن

می‌فرماید: «فقط کسانی که توبه می‌کنند و ایمان می‌آورند و عمل‌های صالح انجام می‌دهند، خداوند گناهان آنان را به حسنات تبدیل می‌کند. و خداوند همواره آمرزنده و مهربان است» (فرقان، ۷۰). نظام هستی و تکوین جهان بر اساس حق و در غایت اتقان و حُسن آفریده شده و بهترین نظام است و هدف همه مخلوقات داشتن سیر تکاملی و حرکت در طریق کمال است. اما هواخواهان تلاش می‌کنند تا جامعه را به سمت شهوات و خواسته‌های شخصی خود سوق دهند. خداوند در مورد این افراد می‌فرماید: «وَاللّٰهُ يُرِيدُ اَنْ يَّتَوَّبَ عَلَيْكُمْ وَّ يُرِيدُ الَّذِيْنَ يَتَّبِعُوْنَ الشَّهَوَاتِ اَنْ تَمِيلُوْا مَيْلًا عَظِيْمًا» زیرا هوای نفس هیچ اصول و قوانین ثابتی را قبول نمی‌کند و باعث محو شدن تمام ارزش‌ها و اصول می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۹ الف: ۱۸۱).

به این ترتیب، این تفسیر به اهمیت انتخاب‌های عقلانی و رعایت ارزش‌های اخلاقی در مقابل خواسته‌های نفسی و شهوانی تأکید می‌کند و هشدار می‌دهد که رفتارهای بی‌اصولی و مخالف ارزش‌های معنوی و اخلاقی منجر به تخریب اصول و ارزش‌های جامعه و نظام هستی می‌شود. در نهایت، بر اساس مطالب ارائه شده، تلاش شده است که در قالب یک مدل نهایی این موارد جمع بندی و ارائه گردد. با بررسی تحلیلی عوامل، نوعی رابطه قابل کشف است. چنین می‌نماید که اساس همه تغییرات موجود، عوامل معرفت شناختی است. بر اساس نگاه معرفتی موجود در تحلیل ارزش‌های اخلاقی، عوامل انسان شناختی ظهور می‌یابد. با توسعه این نگاه در سطح جامعه، عوامل فرهنگی و اجتماعی خود را نمایان می‌کند.



۴- **قدردانی:** این پژوهش، مستخرج از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد نویسنده اول، تحت راهنمایی نویسنده مسئول در دانشگاه مازندران می باشد.

نتیجه‌گیری

بررسی حاضر نشان می‌دهد که زیست مدرن، علی‌رغم دستاوردهای بی‌شمار در حوزه‌های علمی، صنعتی و اجتماعی، چالش‌های عمیقی را در نظام ارزشی و اخلاقی جوامع پدید آورده است. از منظر اسلامی و با استناد به آراء آیت‌الله جوادی آملی، می‌توان دریافت که تغییرات ارزش‌های اخلاقی در جامعه مدرن، ریشه در سه حوزه کلیدی دارد: عوامل فرهنگی و اجتماعی، عوامل انسان‌شناختی و عوامل معرفت‌شناختی.

عوامل فرهنگی و اجتماعی نظیر ترویج تکثرگرایی افراطی و غفلت از معنویت و ارزش‌های اخلاقی در پیشرفت‌های صنعتی، زمینه‌ساز نوعی بحران هویتی در جامعه شده‌اند. این بحران هویتی، با عمومی‌سازی پیروی از هوای نفس، به تخریب بنیادهای اخلاقی و معنوی جامعه دامن زده است. از سوی دیگر، خودمحموری و ترجیح منافع فردی بر منافع عمومی، به همراه انسان‌محموری در مدل زندگی مدرن، نشان‌دهنده تاثیر عمیق عوامل انسان‌شناختی در این تغییرات است. همچنین، عقل‌گرایی منفی و تاثیر معرفت مادی در انکار اصول ارزشی، به عنوان عواملی معرفت‌شناختی، جایگاه معنویت و اخلاق را در زیست مدرن به چالش کشیده‌اند.

کتابنامه

- قرآن مجید
- نهج البلاغه
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۰)، *انتظار بشر از دین*، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۱)، *نسبت دین و دنیا*، چاپ پنجم، تحقیق علیرضا روغنی موفق، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۷الف)، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، چاپ چهارم، مجلد ۵، تحقیق علی زمانی قمشه‌ای، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۷ب)، *سروش هدایت*، چاپ اول، مجلد ۱، تحقیق عباس رحیمیان، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸)، *دب فناء مقربان*، چاپ پنجم، مجلد ۲، تحقیق محمد صفایی، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۳الف)، *شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی*، قم: نشر اسراء.

- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۳ب)، قرآن میزان شناخت قرآن، چاپ اول، تحقیق احسان ابراهیمی، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۸)، تفسیر تسنیم، چاپ اول، مجلد ۳۸، تحقیق سعید بندعلی و حسین اشرفی، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۹الف)، ادب قضا در اسلام، چاپ اول، تحقیق مصطفی خلیلی، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۹ب)، تفسیر تسنیم، چاپ اول، مجلد ۲۷، تحقیق محمد فراهانی، قم: انتشارات اسراء.
- غزالی، محمد بن محمد، حافظ عراقی، عبد الرحیم بن حسین، و عیدروس، عبدالقادر بن شیخ. (بی تا)، إحياء علوم الدین. ۱۶ ج. بیروت - لبنان: دار الكتاب العربی.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، و عقیل، محسن. ۱۴۲۳-۲۰۰۲. الحقائق فی محاسن الأنحراق. ۱ ج. قم - ایران: دار الكتاب الإسلامی.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۶)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ۳۴ ج. تهران - ایران: صدرا.